

نقش مذهب در سلامت روان خانواده‌های معلولان

در شرایط سختی که خانواده‌های دارای فرد معلول و توان‌خواه تجربه می‌کنند، حمایت‌های اجتماعی و باورهای مذهبی می‌تواند تأثیر وافی بر کاهش اضطراب‌ها و پریشانی روانشناختی آن‌ها داشته باشد.



در شرایط سختی که خانواده‌های دارای فرد معلول و توان‌خواه تجربه می‌کنند، حمایت‌های اجتماعی و باورهای مذهبی می‌تواند تأثیر وافی بر کاهش اضطراب‌ها و پریشانی روانشناختی آن‌ها داشته باشد.

خانواده‌های دارای معلول‌حضور افراد معلول، کم‌توان و توان‌خواه در جامعه قدمتی به بلندای پیدایش بشریت دارد و در هر دوره‌ای از تاریخ، افرادی در جامعه انسانی بوده‌اند که از نظر فعالیت‌های اجتماعی، سطحی پایین‌تر از حد طبیعی داشته‌اند. این قشر با وجود اینکه نیازمند توجه ویژه بوده‌اند، اما متأسفانه تا قبل از قرن نوزدهم نه تنها به خواسته‌ها و امور اجتماعی و رفاهی آن‌ها توجه چندانی نشده بود، بلکه تاریخ نشان می‌دهد رفتار غالب جوامع با این گروه، به دور از عدالت اجتماعی و رفتارهای انسانی اخلاق مدارانه بوده است.

معلولیت در لغت به معنای از دست دادن یا محدودیت فرصت‌های شرکت در زندگی اجتماعی در سطحی مساوی با دیگر انسان‌هاست. در قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل که در سال ۱۹۷۵ میلادی تدوین شد، شخص معلول را این‌گونه تعریف کرده‌اند: معلول یعنی شخصی که نمی‌تواند به تنهایی تمام یا بخشی از نیازهای عادی یا زندگی اجتماعی خود را به علت نقص، اعم از مادرزادی یا غیرمادرزادی تأمین کند. معلولیت براساس اختلالاتی که عامل بلوغ و بروز آن است، در ۶ بخش جسمی، حرکتی، عقب ماندگی ذهنی، اعصاب و روان و حس بینایی، شنوایی و گفتاری تقسیم می‌شود.

جمعیت معلولان در سراسر جهان رو به افزایش است و بر نیازها و دغدغه‌های آنان نیز روزبه روز افزوده می‌شود. معلولیت یا کم‌توانی یکی از پدیده‌های پیدا و پنهان زندگی امروزه بشر است. پیدا از آن نظر که نرخ افراد دارای معلولیت در حال رشد است و پنهان از آن نظر که این قشر خاص چندان مورد توجه جریان اصلی جامعه و سیاست‌گذاران اجتماعی نبوده‌اند. چشم دل باز کن که جان بینی

هرچند امروزه در تمام نقاط دنیا معلولانی هستند که با تکیه بر اراده پولادین و بهره‌گیری از تدبیر و تلاش خویش توانسته‌اند این واقعیت را اثبات کنند که انسان با اندیشه خود هویت می‌یابد، نه با توانایی‌های جسمانی و ظاهری؛ اما به هر روی این گروه از افراد جامعه نیازمند دریافت حمایت و توجه بیشتری هستند؛ مثلاً افراد نابینا توانسته‌اند با بهره‌گیری از فناوری‌های نوین به بالاترین مدارج علمی و اجتماعی دست یافته و دیگر هرگز در دنیای تیره و تاریک خود تنها نمانند و قادرند تا در سایه آموزش و فعالیت‌های اجتماعی، زندگی خود را در مسیر پیوند با سایر آحاد جامعه قرار دهند.

فرد نابینا یا هر فرد معلول دیگر حق دارد تا مانند سایر اقشار جامعه از امکانات آموزشی، مسکن، رفاه، تأمین اجتماعی، اشتغال و تفریح برخوردار باشد و جامعه موظف است که با اتخاذ راهکارهای مناسب، امکان تحقق این خواسته‌ها را برای او فراهم آورد؛ بنابراین بجاست که نابینایان در میزان استفاده از موزه، مراکز تفریحی، تجهیزات کمک‌توان بخشی، پارک‌های آبی، مراکز خرید و فروشگاه‌ها، سالن‌های سینما و تئاتر، پارک‌ها، مراکز سیاحتی و زیارتی، وسایل حمل‌ونقل و دریافت خدمات اینترنتی با تبعیض دست به‌گریبان نباشند.

سازگار کردن فضاهای شهری با نیازهای افراد نابینا، درواقع بازگرداندن آن‌ها به اجتماع است. مناسب‌سازی عبارت است از فراهم کردن زمینه استفاده یکسان تک‌تک افراد جامعه با هر شرایط روحی و جسمی از امکانات موجود، مطابق با نیازهای آنها، اعم از نیازهای رفاهی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و منابع طبیعی. انطباق نداشتن فضاها و امکانات شهری با نیازها و خواسته‌های نابینایان، علاوه بر منزوی کردن آن‌ها، باعث ایجاد خسارت‌های اجتماعی و اقتصادی عظیمی در بلندمدت خواهد شد. سهولت دسترسی، مناسب‌سازی، توان بخشی، برابری فرصت‌ها، امنیت و رفع نیازها از جمله دغدغه‌های این قشر کوچک، اما پرتوان است.

وقتی که خانواده صاحب فرزند معلول می‌شود

خانواده‌های کودکان معلول فشار روحی و روانی قابل توجهی تجربه می‌کنند. پاسخ‌گویی به مشکلات رفتاری کودکان، نحوه تعامل فرزند معلول با بستگان، مشکلات مالی و اجتماعی، مشکلات مهیاکردن کودک برای ورود به محیط جدیدی به نام مدرسه و... از جمله آن‌هاست. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که استرس و پریشانی روانشناختی در والدین دارای کودک معلول قابل

ملاحظه است. سطح زیاد این استرس باعث افزایش مشکلات رفتاری کودکان، اوج گیری درگیری های همسران و در نتیجه افزایش نرخ طلاق در این خانواده ها می شود.

در خانواده های دارای کودک استثنایی، خرده نظام های والدینی، زناشویی، خواهر و برادری و حتی نظام های برون خانوادگی مثل دوستان، همسایه ها، مدرسه و مؤسسات را تحت تأثیر قرار می دهد و موجب بروز فشار بیشتری در آن ها می شود و قوام و سازگاری درون نظامی را به ویژه در خانواده به خطر می اندازد. نقش مذهب در بازیابی آرامش خانواده

هنگامی که کودک معلول در خانواده ای متولد می شود، جزئی از آن خانواده و در سرنوشت تمام افراد آن خانواده مؤثر خواهد بود؛ بنابراین والدین این کودکان در برابر بحران های بیشتری قرار می گیرند و ممکن است واکنش های متفاوتی از ناامیدی، یأس و انکار تا مواجهه منطقی با موضوع و تصمیم بر حمایت و یاری رسانی به فرزند برای کسب موفقیت نشان دهند. بر اساس پژوهش های صورت گرفته، در شرایط سختی که خانواده های دارای کودک معلول و توان خواه تجربه می کنند، حمایت های اجتماعی و باورهای مذهبی می تواند تأثیر وافر بر کاهش اضطراب ها و پریشانی روانشناختی آن ها داشته باشد.

امروزه تأثیر مذهب و معنویت بر سلامت جسمانی و روانشناختی، موضوعی است که در تحقیقات و فعالیت های بالینی اثبات شده است. مذهب از مهم ترین تکیه گاه های روانی به شمار می رود که قادر است به لحظه لحظه زندگی معنا دهد و در شرایط حاد و خاص، با فراهم کردن تکیه گاه تبیینی، فرد را از تعلیق و بی معنایی نجات دهد. باورهای مذهبی شیوه مؤثری برای مقابله با مصائب و تجارب دردناک است. با توجه به اینکه اعتقادات مذهبی، نگرشی مثبت و پیشگیرانه نسبت به مشکلات ایجاد می کند، در سال های اخیر توجه بیشتری به تأثیر باورهای مذهبی بر وضعیت سلامت روان شکل گرفته است.

دیوید امیل دورکیم، جامعه شناس بزرگ قرن نوزدهم در کتاب اول «صور بنیانی حیات دینی»، دین را اساس و پایه خانواده به شمار می آورد؛ چرا که از منظر او، تمامی نهادهای بزرگ اجتماعی از جمله نهاد خانواده در دین متولد شده و معنی عقاید و مقصود جامعه، روح دین است.

راضی بودن به مقدرات الهی و تسلیم بودن در مقابل آن، از آثار ایمان به خدا و باورهای دینی است. فرد با این دیدگاه که همه رویدادهای جهان هستی، منوط به اذن خداوند و قدرتی است که او به اسباب و علل می دهد و اعتقاد به اینکه خداوند به مصالح انسان ها آگاه تر است، باور می کند که همه حوادث در راستای خیر و صلاح انسان ها بوده و بنابراین از نظر عاطفی از بروز حوادث راضی و در مقابل خواست خداوند تسلیم می شود و به این ترتیب، رویارویی او با مشکلات سهل تر خواهد شد.

باورهای مذهبی در ساختن مفاهیم زندگی همچون محبت، توبه، امید، خوش بینی، آزمایش، ابتلا، صبر، توکل، یاد مرگ، ارتباط با خدا و قضا و قدر مؤثر است و بنابراین در کاهش تنش های وارد بر خانواده های دارای کودک معلول نقش بسزایی دارند.

این باورهای مذهبی بر مؤلفه های شناختی افراد همچون تفسیر وقایع، خوش بینی یا بدبینی و نوع پنداشت های آنان تأثیرگذار است و در مجموع، او را با وقایع محیط زندگی سازگارتر می کند. باورهای مذهبی با ایجاد قدرت تحمل و صبر در برابر ملایمات، از عوامل مهم در ایجاد احساس اطمینان و افزایش سازگاری در زندگی هر فرد محسوب می شود. مذهب می تواند به پایگاه بسیار محکمی برای انسان در برابر مشکلات زندگی تبدیل شود.

الهه سادات بدیع زادگان

ایکنا